

فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین*

دکتر سیدمحسن حبیبی**، مهندس نوید پورمحمدرضا***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

چکیده

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی و تحلیل فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین است. با عطف به پژوهش‌های میدانی، روایتی توصیفی-تحلیلی از محتوا و کالبد فضاها و مکان‌های ورامین در قالب سه گونه‌ی اصلی (فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز) و یک گونه‌ی فرعی (فضاهای غیررسمی و بالقوه) ارائه شده است. در انتها نیز از طریق مقابله‌ی یافته‌های میدانی با مبانی نظری پژوهش، ویژگی‌ها و مشخصه‌های فضاهای عمومی شهر ورامین بر مبنای معیارهای سه‌گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی تعریف و تبیین می‌گردند.

بخش مرکزی و قدیمی ورامین را می‌توان مهم‌ترین فضای عمومی شهر در نظر گرفت؛ این فضا بازنتاب سوبیه‌های متعدد و متکثر مفهوم فضای عمومی است، نظیر: خرید، استراحت، تفریح، جامعه‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی. سایر فضاها و مکان‌ها، هم چون میدان عمر و آباد، پارک خانواده، و امامزاده حسین‌رضا، هریک، بنا بر ماهیت و ویژگی‌های خویش، بیش و کم نمایانگر گوشه‌ای از ابعاد و جلوه‌های متکثر انگاره‌ی فضای عمومی هستند.

واژه‌های کلیدی

فضای عمومی، فضای شهری، فضای سبز، فضای مذهبی، فضای بالقوه

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران با عنوان «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی، ورامین، قرچک، اسلامشهر)» به شماره ۹۱۰۲۰۰۳/۱/۰۴ و هم‌چنین طرح پژوهشی جندی شاپور مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که زیر نظر دکتر سید محسن حبیبی انجام شده است. بدین وسیله نویسندگان تشکر خود را از این دو نهاد اعلام می‌دارند.

E-mail: smhabibi@ut.ac.ir

** استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: npourmohammad@gmail.com

مقدمه

گونه‌ی فرعی - فضاهای غیررسمی و بالقوه - به دست داده شود. نوشتار در چهار بخش ارائه می‌شود: بخش اول، به شکلی موجز، شرح و تفسیری تاریخی از ورامین ارائه گردیده است. بخش دوم به بررسی مفهومی واژه‌ی فضای عمومی می‌پردازد. در بخش سوم، فضاهای عمومی ورامین در قالب چهار گونه‌ی فضا، مطروحه، و با توجه به چارچوب نظری پژوهش، مورد تشریح و تبیین قرار گرفته است. در بخش پایانی مهم‌ترین ویژگی‌های فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه‌گانه‌ی کالبدی، عملکردی و اجتماعی ارائه گردیده و نتایج و یافته‌های اصلی پژوهش طرح شده است.

روش تحقیق

شرح و تبیین انگاره‌های اساسی پژوهش حاضر و دغدغه‌های مطروحه در آن نیازمند انجام فرآیندی دو سطحی است. سطح اول: کاوش در بُعد نظری، سطح دوم: حرکت در بُعد عملی.

در بُعد نظری، اصلی‌ترین روش به کار گرفته شده پژوهش اسنادی (گبدر، ۱۳۸۵، ۲۳۳) است. در روش تحقیق اسنادی، فرضیات مشخصی وجود دارد که هم مورد تحلیل - در مورد داده‌های کیفی - و هم آزمون - در مورد داده‌های کمی - قرار می‌گیرند. تحلیل از طریق روش تاریخی و روش مقایسه‌ای یا تطبیقی و آزمون نیز بر اساس روش آزمون فرض آماری در درون اسناد صورت گرفته است. از آن جا که پژوهش حاضر در بُعد نظری، عمدتاً مبتنی بر مباحث کیفی است، روش تحلیلی، به هر دو صورت تاریخی و تطبیقی، شیوه‌ای راهگشا برای شرح و تبیین انگاره‌های اصلی پژوهش است.

در بُعد عملی نیز، که هدف درک و ارائه تصویری بیش و کم روشن از فضاهای عمومی و زندگی جمعی معاصر در شهر تاریخی ورامین است، از پژوهش میدانی استفاده گردیده است که عمدتاً با پرسه زنی در فضا، مصاحبه با مردم و مشاهده دقیق فضاها، مکان‌ها و عناصر شهری صورت گرفته است. با بررسی تفاوت‌ها، تشابهات و به طور کلی درون مایه و محتوای این فضاها و مکان‌ها، نتایج و یافته‌ها در قالب سه گونه‌ی اصلی (فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز) و یک گونه‌ی فرعی (فضاهای غیررسمی و بالقوه) ارائه گردیده است. (جدول ۱)

جدول ۱. گونه بندی فضاهای عمومی (ماخذ: حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶)

| | |
|--------------------------------------|--|
| فضاهای شهری | میدان و خیابان‌ها |
| فضاهای مذهبی | مساجد، امامزاده‌ها، گورستان‌ها، حسینیه‌ها و تکایا |
| فضاهای سبز | پارک‌های درون شهری، فضاهای سبز خارج شهری و میدانی ورودی، باغات و اراضی کشاورزی |
| فضاهای غیر رسمی و بالقوه (گونه فرعی) | عرصه‌هایی از شهر، که در زمان‌های گوناگون و به دلایل متفاوت به عنوان فضای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. |

امروزه دلالت‌های معنایی واژه‌ی فضای عمومی آن چنان گسترده است که بسیاری از نظریه‌پردازان، فارغ از دیدگاه اندیشه‌ای و ایدئولوژیکی خود، آن را به متنی متکثر و چند سویه تشبیه کرده‌اند و به همین اعتبار، ارائه‌ی تعریفی واحد و جهان شمول راه، اگر نه محال، که بسیار دشوار دانسته‌اند. در واقع، وجود گستره‌ای حیرت‌انگیز از انواع فرهنگ‌ها، خُرده فرهنگ‌ها، ملیت‌ها، قومیت‌ها، مذاهب، سنن، آیین‌ها، وهنجارها از سویی، و روابط گاه یکسره جدا و گاه درهم تنیده‌ی آنها با یکدیگر از دیگر سویی، سبب گردیده تا فهم و ادراک مفهوم فضای عمومی، که ماهیت و بنیان آن به شکل بی‌واسطه‌ای با زندگی هرروزه‌ی شهری آدمیان گره خورده است، روزبه‌روز دشوارتر شود. شاید امروزه بتوان تعاریف و مرزبندی‌هایی راه، که لغت‌نامه‌ها و دانشنامه‌ها پیرامون برخی واژه‌ها از جمله فضای عمومی طرح می‌کنند، در بهترین حالت، گونه‌ای تعریف یا راهنمای ابتدایی و مقدماتی برای ورود به بحث دانست؛ تعاریفی که بدون تنقیح، و با بهتر، بدون عبور از صافی هر فرهنگ و قوم و سنتی، فاقد کارکرد پایه‌ای و معنای حقیقی خواهند بود.

نوشتار حاضر در پی حصول تعریفی بومی و در عین حال کارکردی و معنادار از فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر ورامین است؛ تعریفی که در عین دربرداشتن ویژگی‌های عام فضای عمومی، مولفه‌ها و مشخصه‌های بومی و منحصر به فرد این انگاره را نیز شامل شود. در راستای نیل به این مهم، توصیف، تشریح و تبیین فضاهای عمومی شهر ورامین از طریق نگاه به مفاهیمی هم چون کُنش‌های ارتباطی، معاشرت و مردم‌آمیزی، همبستگی و هم‌پیوندی عمومی، روابط چهره‌به‌چهره پی گرفته می‌شود. جستجوی رخدادهای تجارب و معانی پنهان و آشکار در کارکردهای کلی این فضاها، برای درک و تصویری بیش و کم روشن از مفهوم فضاهای عمومی در شهر ورامین، ضروری می‌نماید. بنابراین سعی شده روایتی توصیفی-تحلیلی از محتوا و کالبد فضاها و مکان‌های ورامین در قالب سه گونه‌ی اصلی - فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز - و یک

نگاهی تاریخی به ورامین

ورامین شهری است با سابقه کهن شهرنشینی. انباشته از خاطرات و آمیخته با افسانه‌ها. ردپای نام ورامین را می‌توان در میان نام‌های مشاهیر، کتاب‌ها و داستان‌های تاریخی ایرانی بازجست (دهخدا، ۱۳۷۳؛ آذری دمیرچی، ۱۳۴۸). نخستین زمینه‌های ایفای نقش ورامین به مثابه‌ی شهری مهم به پس از ایلغار مغول و ویرانی ام‌البلاد ری باز می‌گردد (اصطخری، ۱۳۶۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵). آن زمان که قسمت اعظم ساکنین آن به ورامین نقل مکان کردند و در آغاز قرن ۸ ه.ق این شهر از آبادترین شهرهای این ناحیه محسوب می‌شد (کلاویخو، ۱۳۸۴؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۱؛ دیولافوا، ۱۳۸۵). میراث معماری امروزی شهر، یادگار این دوران است. اما ورامین امروز، شهر کمتر شناخته شده‌ای است، که نقطه‌ی آغاز تحولات منجر به پدیداری وضعیت معاصر آن را می‌توان در تحولات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ جستجو کرد (امینی و رضوان، ۱۳۸۰). در این دوره برخی صنایع تبدیلی؛ آموزشگاه‌ها و نهاد‌های رسمی در این شهر مستقر می‌شوند و اندیشه نوآورانه (مدرنیستی) حاکم بر این دوران با انجام خیابان‌کشی به عنوان مهم‌ترین اقدامات شهرسازانه، در ورامین نیز آثاری از خود بر جای می‌گذارد. همین خیابان‌ها هستند که سمت و سوی توسعه ورامین در دهه‌های بعد را هدایت کرده و مرکز کالبدی و عملکردی امروز آن را شکل می‌دهند (تاجیک و عطری، ۱۳۸۶). ورامین، امروز پدیده پویایی است که به سرعت بر وسعت و جمعیت خود می‌افزاید و زمین‌های کشاورزی بیشتری راه، که روزگاری حضور خود را در ارتباط با آنها توجیه می‌نمود، به زیر ساخت و ساز می‌برد. توسعه سریع شهر، بسیاری از روستاهای مجاور را به محلاتی از شهر امروز تبدیل کرده است و بدین سبب پیچیدگی فرهنگی-اجتماعی و کالبدی خاصی را پدید آورده است. ولی علی‌رغم این تغییرات سریع، استخوان بندی شهر ورامین کماکان مبتنی بر ساختار تاریخی آن باقی مانده است و تحولات صورت گرفته برحول این استخوان بندی تاریخی صورت گرفته است. روند رشد جمعیت در ورامین از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۸۵ در جدول ۲ ارائه شده است. (جدول ۲)

ششمی بر مفهوم فضای عمومی

انگاره‌ی فضای عمومی بارها و بارها از سوی نظریه پردازان و محققان حوزه‌های گوناگون و محافل علمی و حرفه‌ای مورد تعریف، تشریح

و بازخوانی قرار گرفته است. به عنوان مثال، رویکردهای مبتنی بر «فلسفه سیاسی-اجتماعی»، عمدتاً، فضاهای عمومی را با مفاهیم و انگاره‌هایی هم‌چون گفتمان عمومی، حوزه‌ی عمومی، شهروندمداری، کنش سیاسی، قلمرو اجتماعی (Goodsell, 2003) مدنظر قرار داده‌اند. در سطحی دیگر، دیدگاه‌های استوار بر «برنامه‌ریزی و طراحی شهری»، با نگاهی جزئی و انضمامی تر نسبت به رویکرد پیشین، به ابضاح و تشریح مفاهیمی چون فضاهای عمومی و مراکز شهر و تعامل دوسویه آنها با آموزه‌هایی نظیر زندگی شهری، حس اجتماعی، همبستگی عمومی و خودانگیختگی اجتماعی (Ibid, 2003) پرداخته‌اند، و تعریف و کاربست معیارها و مولفه‌هایی چون قابلیت دسترسی به فضاها، میزان بهره‌وری از فضاها، نحوه طراحی، ایمنی و امنیت فعالیت‌ها و تسهیلات، ساختار کالبدی خیابان‌ها (Pasaogullari & Doratli, 2004)، چگونگی اعمال نظارت بر تامین امنیت، ملحوظ داشتن حقوق اقشار مختلف اجتماعی، ملاحظات زیباشناختی (Cybriwsky, 1999) را در دستور کار قرار داده‌اند.

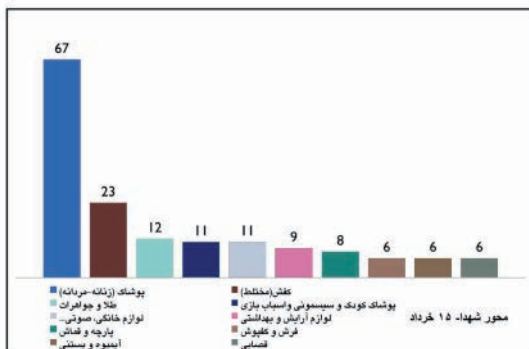
بی تردید مصادیقی دیگر نیز از طیف گسترده و وسیع مبانی نظری مرتبط با مفهوم فضای عمومی وجود دارد، که می‌توان آنها را نیز بیان داشت ولی از آن جا که قصد این نوشتار آن است که معنا و مفهوم فضای عمومی را تا حد امکان از طریق بازخوانی فضاهای شهری ورامین استخراج نماید، لذا به همین دو نگاه کلی بسنده می‌شود:

بر این اساس فضای عمومی را می‌توان عرصه‌ی حضور مردم و پاسخی کالبدی-فضایی به نیازها و خواست‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها در نظر گرفت (حبیبی، ۱۳۷۸)؛ پاسخی کالبدی که گاه به صورت فرآیندی از پایین به بالا از سوی خود مردم مطالبه و در نهایت خلق می‌شود و گاه توسط مسئولان دولتی و در قالب فرآیندی از بالا به پایین ایجاد می‌شود. در هر صورت و با عطف به هر نظریه یا رویکردی، این فضا بدون حضور مردم عرصه‌ی عمومی تلقی نمی‌شود (حبیبی، ۱۳۷۹). و باز این که فضای عمومی، به مثابه‌ی عرصه‌ی تعاملات اجتماعی، معاشرت و مردم‌آمیزی، نقش و تأثیری انکارناپذیر را در ارتقاء کیفیت زندگی شهری، همبستگی و هم‌پیوندی عمومی، حس اجتماع‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی و گفتمان دارد. در مقابل، مردم نیز با حضور همیشگی و یا گاه و بیگاه و

جدول ۲: جمعیت ورامین از ۱۲۷۹ تا ۱۳۸۵ ه.ش. (جمعیت به هزار نفر می‌باشد)
(ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

| | | | | | | | |
|------|------|------|------|------|------|------|--------|
| ۱۳۸۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۳۵ | ۱۲۷۹ | ورامین |
| ۲۰۰۷ | ۱۹۹۷ | ۱۹۸۷ | ۱۹۷۷ | ۱۹۶۷ | ۱۹۵۷ | ۱۹۰۱ | |
| ۲۰۰۹ | ۱۰۷ | ۵۸ | ۲۵ | ۱۱ | ۵ | ۳ | |

خیابان مسجد جامع، که در میدان امام خمینی (میدان قدیم ورامین) یکدیگر را قطع می‌کنند، استخوان بندی شهر و هسته ی مرکزی آن را در مجموعه‌ای منسجم و به هم پیوسته شکل می‌دهند. با حرکت در این هسته و مشاهده و بازخوانی فعالیت‌ها، رخدادها، تجارب و مضامین زندگی روزمره، می‌توان نوع و کیفیت زندگی ورامینی‌ها را بازشناخت و وجوه و جنبه‌های مختلف آن را کاوش کرد. علت و سبب اصلی این انسجام و پیوستار فضایی-مکانی در محدوده ی مرکزی ورامین، به قدمت شهر و تاریخی بودن آن برمی‌گردد. تکوین استخوان بندی فضایی شهر در دوردست‌های تاریخ، شکل‌گیری، تعادل و هم‌پیوندی میان فعالیت‌ها، عملکردها و کالبد این فضاها را تا به امروز سبب گردیده است. در هسته مرکزی شهر، محور خیابان‌های شهدا-۱۵ خرداد، و به خصوص شهدا، مکانی است که می‌توان از آن به عنوان ورامین مدرن یاد کرد. این محور، که میدان مرکزی ورامین در میانه ی آن قرار دارد، از سمت شرق به میدان چوب‌بری و سپس شهر پیشوا و از غرب به میدان امام حسین، راه‌آهن و جاده تهران منتهی می‌شود. توزیع و پراکنش فعالیت‌ها و کاربری‌ها در محور مذکور، نشان گر نوعی التقاط، ناهمگونی و ناسازگاری در مجاورت و هم‌نشینی آنها است؛ که این خود مَبین نوگرایی ایرانی و تبلور آن در شهر است. با رجوع به شکل‌های ۲، ۳ و ۴، که به ترتیب نشانگر ۱۰ کاربری اصلی خیابان شرقی - غربی مجموعه (شهدا و ۱۵ خرداد)، درصد هر یک از این ۱۰ کاربری نسبت به مجموع کل ۱۰ کاربری و درصد هر یک از ۱۰ کاربری اصلی از مجموع کاربری‌های خیابان است، چهره و سیمای تجاری خاصی در طول این محور مشاهده نمی‌گردد. گرچه عطف به نتایج و یافته‌های ناشی از نمودارهای مذکور، به طور کلی، نشان از حضور پررنگ و بارز کاربری‌های تجاری و خدماتی دارد، طیف تنوع کاربری‌های مذکور تا حدی است که تشخیص همسانی میان آنها، نه در کل محور، که حتی در بخشی از آن نیز دشوار است و بنابراین خیابانی با کارکرد تجاری خاص شکل نگرفته است و محوری با کاربری مختلط چهره می‌نماید. (شکل‌های ۲، ۳ و ۴)



شکل ۲. ۱۰ کاربری اصلی خیابان شرقی - غربی مجموعه (شهدا و ۱۵ خرداد)

اتفاقی خویش در این فضاها همواره سرزندگی و حیات خاص و منحصر به فردی به آنها می‌بخشند. حضوری که گاه به سبب مقاصد از پیش برنامه ریزی شده نظیر خرید کردن یا شرکت در مراسمی خاص، گاه به قصد استراحت و تفریح، تماشا کردن و دیده شدن، گاه به منظور پیروی و تبعیت از رسوم و آیین‌هایی ویژه در روزهایی مشخص و گاه برای عبور و رسیدن به محل کار و در عین حال حضور در جریان زندگی شهری و حادثه‌ها و واقعه‌های شهری شکل می‌گیرد (حیبی، ۱۳۸۰: مدنی پور، ۱۳۸۴).

۱. بررسی و تحلیل فضاهای عمومی ورامین

در نگاهی کلی و عام سه گونه ی اصلی و یک گونه ی فرعی از فضاهای عمومی در ورامین قابل شناسایی هستند. این گونه‌ها عبارتند از: فضاهای شهری، فضاهای مذهبی و فضاهای سبز (گونه‌های اصلی) و فضاهای غیررسمی و بالقوه (گونه ی فرعی). بی شک این مرزبندی و جداسازی، تنها برای نیل به تصویر و تصویری واضح از فضاهای عمومی و شهری ورامین صورت گرفته است، زیرا که در بطن جریان واقعی زندگی شهر و خارج از چارچوب پژوهشی درهم‌تنیدگی و تعامل این مجموعه فضاها در بافت شهر ورامین به حدی است که هرگونه مرزبندی و تفکیک، چه ذهنی و چه عینی، را بی‌معنا جلوه می‌دهد (شکل ۱).

۱. فضاهای شهری

بخش مرکزی و قدیمی ورامین

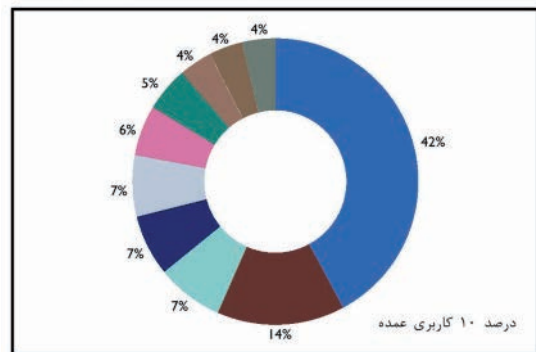
دو محور متقاطع خیابان شهدا- خیابان ۱۵ خرداد و خیابان طالقانی-



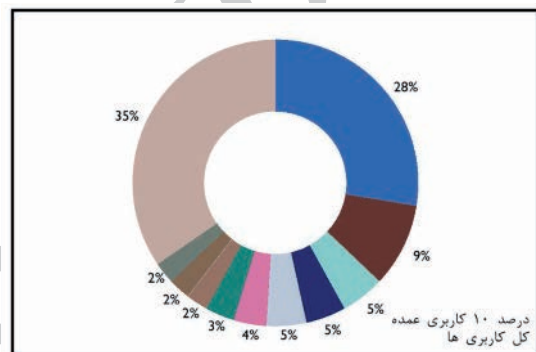
شکل ۱. فضاهای عمومی ورامین به تفکیک گونه‌ها (ماخذ: حیبی و همکاران، ۱۳۸۶)

یکدیگر زندگی شهری را معنا می بخشند و این را یادآور می شود که امر خرید و تجارت تنها کارکرد، رخداد و معنا، چه مستتر و چه عیان، در هسته ی مرکزی ورامین نیست؛ حضور در خیابان های این مجموعه، با درختان چنار کهن سال سایه افکن و پیاده روهای نسبتاً عریض، امام زاده ها، بناها و یادمان های تاریخی، مساجد و حسینیه ها، پاساژها و مجموعه ای درهم از انواع کاربری ها، به شکل گیری فضایی بس جذاب و رنگارنگ انجامیده و گنجینه ای غنی و ارزشمند را فراهم آورده است.

میدان مرکزی ورامین، محور شهدا- ۱۵ خرداد و محور طالقانی- جامع در عین پیوستگی و انسجام، هریک، واجد چهره و هویتی ویژه بوده و قصه و روایتی خاص و منحصر به خویش را بازگو می کند. میدان مرکزی ورامین، با استمرار و تداوم حضور خویش از دیرباز تاکنون، فصل مشترک خاطره های و ذهنی بسیاری از ورامینی ها بوده و به نوعی مهم ترین مرجع ذهنی شهر محسوب می گردد. برج ۷۰۰ ساله ی علاءالدوله با حضور دائمی و کهن خویش در گوشه ای از میدان، خاطرات فراوان نسل های مختلف ورامینی را با هم گره می زند. سکوهای ساخته شده ی گوشه ی میدان در سایه سار درختان نارون و چنار، محل قرار و دیدارگاه کهن سالان و گاه جوانان ورامینی است. میدان مبدأ و مقصد وسایل نقلیه همگانی و خصوصی شهر است که به واسطه ی دسترسی مناسب به آن، عاملی دیگر در جوش و خروش همه روزه ی زندگی شهری است (شکل ۵). محور شرقی- غربی مجموعه یعنی خیابان های شهدا و ۱۵ خرداد، که میدان مرکزی ورامین در میانه ی آن قرار گرفته است، به عنوان مهم ترین محور خرید و تأمین نیازهای روزانه، هفتگی،



شکل ۳. درصد هر یک از این ۱۰ کاربری نسبت به مجموع کل ۱۰ کاربری



شکل ۴. درصد هر یک از ۱۰ کاربری اصلی از مجموع کاربری های خیابان

از نظر چگونگی توزیع و پراکنش کاربری ها، دیگر محور این مجموعه یعنی طالقانی- مسجد جامع نیز تفاوت ماهوی خاصی با محور شهدا- ۱۵ خرداد ندارد. این محور، که عمود بر محور قبلی است، با ساختی سنتی و مذهبی نسبت به آن، - به علت حضور مسجد جامع ایلخانی در ابتدا و مسجد جامع جدید شهر در میانه ی آن- شکلی دیگر از هسته ی مرکزی و تجربه های شهری و مضامین زندگی روزمره ی ورامینی ها را رقم می زند.

حضور طیفی متنوع از انواع عملکردها در این دو محور، هر خیابان را به عرصه ی حضور مردمان شهر تبدیل کرده است؛ حضوری گسترده که تجاری ویژه را در زندگی روزمره ی شهری، چه در شکل و شمایل سنتی و مذهبی (محور شمالی - جنوبی) و چه نو و مدرن (محور شرقی - غربی)، فراهم آورده است. تنوع و کثرت عملکردها «هم زیستی مسالمت آمیز (یا مثبت) کاربری ها» را سبب شده است؛ هم زیستی ای مبتنی بر وضعیتی تعاملی و چند سویه میان کاربری هایی که در بسیاری موارد ناسازگاراند. همزیستی عملکردهایی هم چون قصابی، خواروبار فروشی، حسینیه، پاساژ مدرن تجاری، کافی شاپ و بساط دوره گرد آجیل فروش در کنار



شکل ۵. گوشه شمال شرقی میدان مرکزی ورامین



شکل ۷. قهوه خانه "سید" در خیابان ۱۵ خرداد؛ برابر نهاد پاتوق های مدرن



شکل ۶. کافی شاپ خیابان شهیدا؛ پاتوقی مدرن برای جوانان

ماهان و سالانه ورامین شناخته می شود و حضور ساکنان شهر و کانون های مجاور در این فضا، رنگارنگی مغازه ها و تابلوهای آنها بر رونق آن می افزایند، هر چند که جداره ی خیابان ها با سلیقه ای عامیانه آراسته شده باشد و کالاهای ارائه شده و در نظر نیز چنین سلیقه ای را نشان می دهند. این محور با بهره مندی از عملکردهایی شیک و مدرن هم چون مغازه ها و پاساژهای عرضه کننده ی پوشاک، کفش و طلا و جواهرات، به ویژه در خیابان شهیدا، و حضور امامزاده ها و تکایا، بالاخص در خیابان ۱۵ خرداد، حاوی حکایتها، قصه ها و روایاتی بس متنوع، گاه تلخ و گاه شیرین، از ورامین و ورامینی های دیروز و امروز است؛ قصه هایی در آمدوشد بین سنت و مدرنیته. پرسه زدن، به عنوان نقشی جدید در خیابان مدرن، به خیابان های شهیدا و ۱۵ خرداد حیاتی دیگرگونه داده است؛ جوانان، چه دختر و چه پسر، در پرسه زدن در این محور، آشنایی ها، دوستی ها و گاه دشمنی ها را جستجو می کنند؛ جوانانی که از سر تنوع و تفریح گاه سری به پاساژ شیک مجاور میدان مرکزی زده و گاه چند قدمی آن سوتر در کنار بساط آجیل فروش دوره گرد گردهم می آیند. مادری که همراه کودکان خود در حال چانه زدن با فروشنده ی دوره گرد یا مغازه دار نبش خیابان اند و افرادی دیگر، چه زن و چه مرد، به منظور رسیدگی و حل و فصل امور روزانه در حال آمدوشد به شعبه های مرکزی بانک های ورامین در ابتدای خیابان شهیدا هستند. با عبور از میدان مرکزی، خیابان ۱۵ خرداد تجربه ای بیش و کم متفاوت را در قیاس با خیابان شهیدا نشان می دهد؛ قهوه خانه ی قدیمی سید، به عنوان پاتوق نسل کهن و میان سال و البته جوانان ستیزه جوی شهر، فضایی را فراهم کرده است که در تفاوتی ماهوی با کافی شاپ های خیابان شهیدا- به مثابه ی پاتوق های مدرن- قرار می گیرد. سنت کهن در بازتولید

مدرن خویش قهوه خانه ها و مکان هایی قدیمی تر را به کار گرفته است. هنگام ظهر و عصر و به قصد عبادت و راز و نیاز با معبود، حسینیه ها و امامزاده های این خیابان مملو از مردم می شود؛ مکان هایی که همراه با خود خیابان، برای ورامینی ها، در هر نسلی، مرجعی ذهنی و مکانی آشنا- یادآور قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲- هستند. (شکل های ۶ و ۷) در محورهای طالقانی- مسجد جامع، علی رغم حال و هوای سنتی و مذهبی خویش، جوش و خروش و غلیان حاصل از رخدادها، تجارب و مضامین هر روزه ی زندگی کمتر دیده می شود، و به جای آن، جلوه ها و سوبه های تظاهراتی و واقعه ای حیات شهری رسمی- به خصوص در خیابان مسجد جامع- پررنگ تر می شود. در این خیابان، حضور دو مسجد جامع، یکی در ابتدای محور و دیگری در میانه ی آن، سبب گشته تا وقوع بسیاری از تجمع های مذهبی و سیاسی شهر در آن رخ نماید. هر ساله در سالگرد قیام ۱۵ خرداد، مسجد جامع جدید به عنوان محل تجمع و آغاز راهپیمایی به سوی امام زاده فتح الله- واقع در خیابان ۱۵ خرداد- تعریف می شود و مسجد جامع قدیم، تا هنوز، به عنوان مکان برگزاری نماز جمعه و نمازهای مربوط به اعیاد در فصول گرم مورد استفاده اهالی قرار می گیرد. سوی دیگر محور، یعنی خیابان طالقانی، به میزان کمتری تحت تاثیر این حضور نمایش گونه و تظاهرات رسمی و غیررسمی مردم بوده و بیشتر به عنوان یکی از مهم ترین مراکز خرید ورامین محسوب می شود؛ بدین معنا که بخش عمده ای از فروشگاه های لوازم خانگی و معدود کتاب فروشی های مجموعه ی مرکزی ورامین در این بخش قرار گرفته اند؛ اما با این وجود خیابان طالقانی نسبت به دیگر خیابان این محور- مسجد جامع- و نیز دو خیابان محور شرقی- غربی از سرزندگی و شور و

هم پیوندی و همبستگی عمومی اما تنها برای محله های همجوار. گویان که این میدان در کلیت خویش می تواند فضایی عمومی باشد، لیکن جاذبه و کششی که در درون آن جاری است، تنها، افرادی خاص و قشری محدود - شامل ساکنین محدوده و آشنایان و نه افراد غریبه و یا هر ورامینی - را به سوی خود جلب می کند. از این سبب شاید بتوان میدان عمروآباد را فضای حضور و گردهمایی جامعه ای بیش و کم بسته و درخود دانست. ارزان بودن قیمت زمین در این منطقه نسبت به سایر مناطق شهر از گذشته تا کنون، سبب گشته تا این محدوده در برگیرنده ی اکثر مهاجرین تازه وارد به ورامین، از هر شهر، قوم و یا طایفه ای، باشد. امری که موجب تکوین و شکل گیری گرایش ها و سنت هایی خاص و منحصر به فرد در قالب یک یا چند خُرده فرهنگ شده است؛ این گرایش ها و عادات از آن جا که خود را در تقابل با آداب و سنن، و به تعبیری دیگر، فرهنگ غالب شهر می بیند، حالت و کیفیتی تهاجمی به خود گرفته و با گذشت زمان اجتماعی بسته را شکل داده است. ترجمان فضایی - کالبدی این گرایش ها به خلق عرصه هایی منجر شده که با وجود همبستگی درونی اعضاء، در نزد افراد خارج از مجموعه تعبیر به عرصه های بیگانه و مهاجم می شود. عرصه هایی که نه تنها پذیرای افراد غریبه نیست، بلکه در قبال آنها موضعی خصمانه و دافعه برانگیز پیشه می کند. حضور پررنگ مسجد در ضلع جنوبی این فضا به عنوان محل دیدارهای روزانه ی قشر مذهبی منطقه تضاد جالبی را با محتوای نه چندان گرم میدان برای بیگانگان برقرار می نماید. حضور دستفروشان میوه و تره بار و سایر اجناس نیز این فضا را به محل تامین برخی از نیازهای روزانه ی ساکنین محل بدل کرده است.

میدان چوب بری (رازی)

این میدان به عنوان مهم ترین نقطه ی بخش شرقی ورامین اصلی ترین پاتوق و محل استقرار کارگران ساختمانی در سطح شهر است. این میدان و کارکرد آن، برخلاف سنت دیگر شهرهای کهن، فاصله ای نسبتاً زیاد از منطقه ی مرکزی شهر دارد. فضای سبز مجاور این میدان در فصول گرم سال پاتوق کهن سالان ورامینی بوده و پذیرای حضور آنان است.

فضاهای مذهبی

دو فضای مذهبی عمده در سطح شهر ورامین وجود دارند. مسجد جامع تاریخی شهر و امام زاده حسین رضا. مسجد جامع که در دهه های گذشته به صورت ویرانه ای در حاشیه ی شهر کهن قرار داشت، پس از مرمت های سال های اخیر به عنوان مکان برگزاری

حیات کمتری برخوردار است. هسته ی مرکزی ورامین مکانی است برای حضور و گردهمایی ورامینی ها، که گاه به صورت مردم آمیزی و تعاملات اجتماعی رخ می نماید و گاه تنها در قالب از کنار هم رد شدن مردمان بی هیچ معاشرت و ارتباطی. این هسته نه مکان بروز و ظهور تضادها و حتی تقابل ها در قالب تأکید و بزرگنمایی بر خُرده فرهنگ یا گرایش خاصی است و نه مکانی است تک منظوره و تک بعدی، بلکه فضایی است عمومی برای پاسخ گفتن به نیازها و خواست های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم. شاید بتوان همراه با نظریه ی لوییز مامفورد (Mumford, 1961) اذعان داشت که در هسته ی مرکزی ورامین، «مظروف» یا «محتوا» بر «ظرف» یا «کالبد» غلبه دارد؛ بدین معنا که با وجود فرسودگی کالبدی و بی نظمی صوری ای که در مجموعه ی مکان ها و بناهای این محدوده ی تاریخی دیده می شود، این فضا قادر به جذب و جلب مردم و نهادهایی است که خود ممد زندگی شهر هستند. به دیگر سخن، هسته ی مرکزی شهر به عنوان عرصه ی عمومی از دیدگاه شکل گرایانه و زیباشناختی جز در مورد بناهای تاریخی هیچ جذابی را عرضه نمی دارد. سلیقه ی پایین در ساخت و سازهای جدید، آشفستگی در گفت و گوی بناها با یکدیگر و فضاهای پیرامون، پیاده روهای ناهموار و بد آرایش یافته، بوی نامناسب ناشی از کاربری های ناسازگار و یا مانداب های جوی ها، اغتشاش و بی نظمی در آمدوشد سواره و پیاده، همه و همه، نشان از آشفستگی و بی سروسامانی ظرف و کالبد دارند، ولی همه ی اینها به معنای افول و اضمحلال نمایش زندگی شهری نیست؛ در این مجموعه، علی رغم آن چه گفته شد، صحنه ها و تصاویری انباشته از تبلور نمایش زندگی شهری دیده می شود و نشان از آن دارد که فضای ایجاد شده از سوی مظروف، نابسامانی ظرف را تحت شعاع قرار داده است و علی رغم آسیب دیدگی و فرسودگی کالبد، جریان عمومی زندگی با همه ی رخدادها، انگاره ها، تجارب و تجلیات عیان و مستتر در شهر جاری است؛ جریان و نمایشی که بی تردید با گذر زمان و متأثر از ظهور و تکوین عناصر و عوامل اجتماعی، فرهنگی و شهری جدید، اساس و شاکله ای دیگرگونه را نسبت به گذشته سبب خواهند شد.

میدان عمروآباد

فلکه عمروآباد، میدانی مستطیل شکل در جنوب غربی شهر، بخشی از توسعه های جدید ورامین بوده (بعد از انقلاب) و تا مدت ها جزء بخش های اصلی شهر به حساب نمی آمده است. این میدان، بی آنکه از ویژگی های زیباشناختی یک فضای شهری نظیر محصوریت، مبلمان و فضای پیاده بهره مند باشد، جاذب قشر خاصی از مردم ورامین است؛ در واقع فضای مذکور مکانی است برای حضور، معاشرت، مردم آمیزی،

هستند؛ فضای سبز میدان ورودی که در ساعات پایانی روز و یا در تعطیلات پایانی هفته شاهد حضور جمع کثیری از ساکنان شهر و مناطق مجاور بوده و برای گذران اوقات فراغت خانواده ها مورد استفاده قرار می گیرد. پارک های خانواده و ۱۵ خرداد، تنها پارک های ورامین اند که قابلیت کارآیی و خدمات رسانی در مقیاس شهر را دارند. در این میان، پارک خانواده نسبت به پارک ۱۵ خرداد حالت رسمی تری را داراست و فضای سبزی مختص استفاده خانواده هاست و به همین منظور و به قصد جلوگیری از ورود افراد مجرد، و مهم تر، به قصد تامین آسایش و امنیت بیشتر، به وسیله نرده های آهنی محصور گشته است.

فضاهای غیررسمی و بالقوه

عرصه هایی که به دلیل دارا بودن برخی مزیت های مکانی-فضایی، در ایامی معدود از سال، به عنوان فضای عمومی مورد استفاده ی مردمان قرار می گیرند؛ گرچه از نظر کالبدی-فضایی و سویه های زیباشناختی، شایستگی پذیرایی چنین اجتماعاتی را ندارند نظیر زمین های بایر مجاور امام زاده حسین رضا، که در روز های پایانی هفته و ایام مذهبی سال شاهد برپایی بازارهای مقطعی و حضور معرکه گیران و نمایش گران شهری می باشند. (شکل ۹)

بررسی و طبقه بندی یافته ها بر اساس معیارهای

سه گانه پژوهش

یافته های مطروحه بر مبنای معیارهای سه گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی در جدول ۳ طبقه بندی و ارائه گردیده است. (جدول ۳)



شکل ۹. روز بازار در مجاورت کارخانه غیر فعال مقوا سازی

نماز جمعه و نمازهای مربوط به اعیاد در فصول گرم سال مورد استفاده اهالی قرار می گیرد. با توجه به وجود اقشار قوی مذهبی در شهر، این فضا مورد استقبال اقشار مذهبی شهر واقع شده است. امام زاده حسین رضا کارکرد هایی متفاوت را دربرمی گیرد. این فضا، به عنوان یکی از با اهمیت ترین زیارت گاه های منطقه و همچنین مهم ترین گورستان شهر، از روزگاران دور محل دفن بسیاری از ورامینی ها بوده است. به همین دلیل و به علت وجود رابطه های قوی قومی و عشیره ای در منطقه و همچنین وجوداندیشه ی مذهبی راسخ در زندگی ورامینی ها، این مکان به عنوان محل ملاقات و چهره به چهره شدن هفتگی بسیاری از ساکنان شناخته می شود. از سوی دیگر و در یک عملکرد غیر منتظره، به دلیل فقدان فضاهای مناسب در شهر، میعادگاهی برای جوانان نیز می باشد؛ جوانانی که در جوار گور نیاکان و گذشتگان خویش در طلب آشنایی و دوستی با یکدیگر هستند. مزار مکانی شده است برای در کنار یکدیگر گرد آمدن و به گشت و گذار پرداختن. این کارکرد سبب ساز شخصیت و هویتی خاص و منحصر به فرد برای این مکان شده و مسئولان شهر را وادار کرده است تا با ایجاد سالن ورزشی چندمنظوره ای در کنار مکان مذکور، باشندگان را در یک فضای تعریف شده ی شهری گرد هم آورند. (شکل ۸)

فضاهای سبز

فضاهای سبز شهر عبارتند از: پارک خانواده، پارک ۱۵ خرداد، فضای سبز میدان ورودی ورامین و فضای سبز جنب میدان رازی (چوب بری). در این بین، فضاهای سبز میدان ورودی ورامین و میدان چوب بری، نسبت به دو پارک یاد شده، از حالت و کیفیت عمومی تری برخوردار



شکل ۸. امام زاده حسین رضا؛ مهم ترین گورستان شهر

جدول ۳. ویژگی های فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه گانه

| معیارها | ویژگی ها | مهم ترین ویژگی ها و خصوصیات فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه گانه ی کالبدی، عملکردی و اجتماعی |
|---------|--|---|
| کالبدی | پیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی نسبی کالبد شهر، نبود الگویی خاص برای طراحی جداره ها و بناها (آشفته گی معماری شهری)، عدم تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت ها (غلبه مظلوف بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، حضور درختان سایه افکن و تجهیز نسبتا مناسب فضاهای شهری | |
| عملکردی | پیوستگی عملکردی فعالیت ها، رونق فعالیت ها در ساعات های آغازین و پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، چندعملکردی بودن خیابان ها، همزیستی فعالیت ها در عین ناسازگاری و ناهمگونی عملکردی آنها، شکل گیری مراکز عمده خرید (پاساژها)، ارائه خدمات در مقیاس فراتر از شهر، پایداری و ثبات نسبی کاربری ها | |
| اجتماعی | خاطره انگیزی فضاها، حضور نشانه ها و نمادهای مرجع، رونق زندگی شهری، امنیت نسبی ذهنی و روانی، تشکیل پاتوق های شهری بر حسب سن و جنس، حضور نسبی نگاه ناظر ساکنان | |

نتیجه گیری

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردمان شهر؛ عرصه ای برای تکوین، بروز و رخ نمودن نمایش زندگی شهری در صور گوناگونی نظیر راه رفتن، گفتگو کردن، خرید کردن، تظاهرات کردن، دیدن و دیده شدن.

دیگر فضاهای عمومی شهر، هریک، بنا بر ماهیت و ویژگی های خویش، و با شدت و ضعفی بیش و کم متفاوت، رگه هایی از جوه متعدد و متکثر مفهوم فضای عمومی را عرضه می دارند. میدان عمروآباد، به مثابه ی ترجمان فضایی کالبدی گرایش ها و عاداتی در خود و گاه تهاجمی، نمایان گر قلمرو معاشرت، هم پیوندی و همبستگی گروهی محدود است که از دید افراد خارج این اجتماع تعبیر به عرصه ی خصم می شود. میدان چوببری مهم ترین مکان برای استقرار، استراحت و شاید معاشرت و مردم آمیزی کارگران ساختمانی در سطح شهر است. فضاهای مذهبی ورامین - مسجد جامع و امامزاده حسین رضا - به علت وجود رابطه های قوی قومی و عشیره ای در منطقه و همچنین وجود یک اندیشه ی مذهبی راسخ در زندگی ورامینی ها، به صورت مستمر و همیشگی، به عنوان مکان ملاقات و چهره به چهره شدن مردم مورد استفاده قرار می گیرند. امامزاده حسین رضا، در یک عملکرد مضاعف، میعادگاهی عمومی برای جوانان، چه دختر و چه پسر، نیز به حساب می آید. فضاهای سبز شهر نیز محل و جولانگاهی اند برای حضور، دیدار و تعامل ورامینی ها، که به دلیل رفع خستگی، گذران اوقات فراغت و یا تفریح و تجدید بنیه و قوا، گاه و بی گاه و بسته به شرایط زمانی و مکانی، در این فضاها حاضر می شوند. علاوه بر موارد مذکور، مکان ها و فضاهایی نیز در ورامین وجود دارند که می توان آنها را فضاهای عمومی بالقوه یا غیررسمی نام نهاد. مکان ها و فضاهایی رها شده و متروک،

با عطف به کاوش و بازکاوش فضاهای عمومی ورامین، می توان هسته ی مرکزی و قدیمی آن را به عنوان اصلی ترین و مهم ترین فضای عمومی شهر به حساب آورد. ساکنان، همه روزه، با اعلام حضور خویش، چه با مقاصد تک منظوره و از پیش تعیین شده نظیر خرید کردن و چه بدون قصد و نیت خاصی و تنها برای پرسه زدن و حضور داشتن، سرزندگی و حیاتی خاص و منحصر به فرد را به این هسته ارزانی می دارند، حال آن که گاه و بی گاه (و نه همیشه) و بسته به شرایط زمانی و مکانی در سایر فضاهای عمومی این شهر هم چون پارک خانواده، پارک ۱۵ خرداد و امامزاده حسین رضا حضور می یابند؛ همین امر سبب شده تا این محدوده ی مرکزی به گنجینه ای غنی از مضامین زندگی روزمره و مکان انباشت تجارب ذهنی، عینی و اجتماعی بدل گردد. مسجد جامع، برج علاءالدوله، میدان قدیمی شهر و درختان چنار کهنسال، هر یک، با استمرار و تداوم حضور خویش از دیرباز تا کنون، چهره و هویتی خاص را در این مجموعه رقم زده اند؛ هسته ی مرکزی شهر به مثابه ی مکانی مرجع در ذهن و خاطره ی هر ورامینی حک گردیده است. خیابان های منتهی به میدان نیز که روزگاری هسته ی اولیه ی پیدایش شهر بوده اند، امروز و با گذشت سالیانی دراز و از همین ره انباشت سال ها سرمایه گذاری اجتماعی و فرهنگی مهر و نشان خود را به این مکان زده و فضایی آشنا را برای بازیگران و تماشاگران نمایش شهری فراهم آورده اند. به نظر می رسد بتوان فضای مذکور را عرصه ی تبلور گونه ای همزیستی مسالمت آمیز میان مردم ورامین دانست؛ فضایی که، فارغ از کیفیت و وضعیت سوبیه های کالبدی - زیباشناختی خویش، محملی است برای پاسخ به نیازها و خواست های

عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه ای جنوب تهران، مطالعه موردی: ورامین، قرچک، اسلامشهر. طرح پژوهشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، منتشر نشده.

۱۰. دیولافوا، مادام ژان. (۱۳۸۵). ایران کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره وشی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۱. کلاویخو، روی گونسالس. (۱۳۸۴). سفرنامه کلاویخو. (مسعود رجب نیا، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۳. دهخدا. (۱۳۳۳). لغت نامه دهخدا. دوره ۱۵ جلدی. تهران: با همکاری انتشارات روزبه، دانشگاه تهران.

۱۴. مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، (بابک محقق، مترجم). فصلنامه اندیشه ایران شهر، (۳)، ۲۶-۳۶.

۱۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سالنامه آماری، تهران: مرکز آمار ایران.

۱۶. مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۸۸). نزهت القلوب، به تصحیح و تحشیه دکتر محمد دبیر سیاقی. قزوین: نشر حدیث امروز.

17. Cybriwsky, R. (1999). Changing patterns of urban public space - Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas. the journal of Cities, 16(4), 223-231.

18. Goodsell, Ch. T. (2003). The Concept of Public Space and It's Democratic Manifestations. the journal of The American Review of Public Administration, (33), 361-383.

19. Mumford, L. (1961). The City In History. New York: Harcourt Brace Jovanovich.

20. Pasaogullari, N., & Doratli, N. (2004). Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta. the journal of Cities, 21(3), 225-232.

که گرچه فاقد هرگونه کالبد و حدود و ثغور فضایی مشخص هستند، به علت دارا بودن برخی مزیت‌های مکانی، در روزهای معدودی از سال به عنوان عرصه ی تجمع و معاشرت مردمی در پرتو عملکردها و فعالیت‌هایی غیررسمی همچون بازارهای مقطعی، معرکه گیری خودنمایی می کنند.

فهرست مراجع

۱. آذری دمیرچی، علاءالدین. (۱۳۴۸). جغرافیای تاریخی ورامین. تهران: بینام.

۲. ابن حوقل. (۱۳۴۵). صوره الارض. (دکتر جعفر شعار، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۳. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم. (۱۳۶۸). ممالک و مسالک، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۴. امینی، محمد؛ و رضوان، همایون. (۱۳۸۰). تاریخ اجتماعی ورامین از ابتدا تا عصر پهلوی.

۵. تاجیک، علیرضا؛ و عطری، سیده زهرا. (۱۳۸۶). آثار تاریخی ورامین باستان. قم: مهرالمومنین.

۶. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۸). فضای شهری، حیات واقع‌ای و خاطره‌های جمعی. مجله صفا، (۲۸)، ۱۴-۲۴.

۷. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. مجله هنرهای زیبا، (۷)، ۲۱-۳۳.

۸. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۰). فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای. مجله صفا، (۳۳)، ۵-۱۳.

۹. حبیبی، سید محسن؛ لقمانی، زیبا؛ عرفانی، جواد؛ پورمحمدرضاء، نوید؛ و حمیده، سارا. (زیر چاپ). مقایسه تطبیقی شکل گیری و تکوین عرصه